نواها

مراسمی برای یک دوست

نوا جنگوک

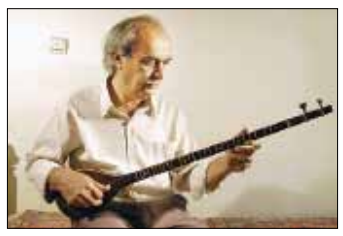
■ دوست دارم جملاتی از «احمد شاملو» را آغازگر نوشته‌ام قرار دهم که عجیب وصف حال انسان‌های بزرگی چون «عطا جنگوک» است و به یاد دارم که «مهدی آذرسینا» نیز در مراسم یادبود پدر، در فرهنگسرای ارسباران سخنان خود را این‌گونه آغاز کرد:

«آن که می‌اندیشد/ به ناچار دم فرو می‌بندد/ اما آن گاه که زمانه/ زخم خورده و معصوم/ به شهادتش طلبد/ به‌هزار زبان سخن خواهد گفت!»

چندی پیش از طرف «خانه موسیقی ایران» خبردار شدیم که یکی از شب‌های جشن امسال این خانه به نام «عطا جنگوک» نام‌گذاری شده است و پس از جویاشدن از جزییات این برنامه، آنچه به ما انتقال یافت، این بود که در این شب «ارکستر آکادمیک تهران» به اجرای برنامه خواهد پرداخت و قطعاتی از پدر اجرا خواهد شد. بالاخره در شب سه‌شنبه ۱۹مهر در تالار وحدت حضور به هم رساندیم و مراسم برگزار شد. بعد از آن شب پرسش‌های بسیاری در ذهن من شکل گرفت و با وجود میل باطنی خود، تصمیم به نوشتن گرفتم، چراکه پنداشتم سکوت ما خیانتی است به هنرمند دردانه‌ای چون «عطا جنگوک» و زیرپاگذاشتن تمامی ارزش‌هایی که او و امثال او سالیان سال به آنها پایبند بودند و به واسطه این پایبندی، بها پرداختند که البته متاسفانه امروز این در نظر ما معنا نداشته یا اینکه این ارزش‌ها را از یاد برده‌ایم!

عمده پرسش‌هایی که دارم از اعضای محترم خانه موسیقی اعم از شورای‌عالی و هیات‌مدیره خانه موسیقی است که آیا جز این است که هدف از تشکیل این نهاد، دفاع از حقوق از دست رفته موزیسین‌های ما و کمک به اعتلای فرهنگ و هنر این مرز و بوم بوده است؟! پس چگونه می‌شود به نام هنرمندی چون «عطا جنگوک» چنین برنامه‌ای از طرف این نهاد در نظر گرفته شود و آنقدر غیرمسوولانه برخورد شود که زندگینامه‌ای که در آن شب به قول آقای نوربخش مبارک ارایه شد، پر از اشکال باشد؟ نحوه تنظیم برنامه و اجرای ارکستر که بماند.

«عطا جنگوک» هنرمندی بود که سالیان دراز بی‌هیچ وابستگی به نهادی خاص و هیچ چشم‌داشتی در جهت پیشرفت موسیقی مملکت‌مان بی‌وقفه تلاش کرد و شاگردانی تحویل جامعه موسیقی داد که امروز هر یک هنرمندانی قدر و صاحب‌نام هستند. او زمانی پژوهش در باب موسیقی نواحی ایران زمین را آغاز کرد که کمتر کسی به موسیقی نواحی توجهی داشت و به جرات می‌توانم بگویم که او اولین کسی بود که موسیقی نواحی ایران را زنده و معرفی کرد، آن هم در دوره‌ای از تاریخ که هنرمندان ایلیاتی ما حتی، برای دردست‌گرفتن



سازهایشان هزار بیم و هراس داشتند و به ناچار نغمات را با دهان خود اجرا می‌کردند. اوایل دهه ۶۰ و این هنرمند با اخلاق در همان سال‌ها نیز مورد بی‌مهری دوستان و هنرمندانی قرار گرفت و آزرده خاطر گشت. هنرمندانی که بعدها در سوگ او سخن از دق‌کردنش به میان آوردند.

اکنون آیا رواست چنین یادکردنی از هنرمندی که در کارنامه هنری او آثار به یادماندنی از جمله «مال کنون» در زمینه موسیقی نواحی و «چشم به راه» در زمینه موسیقی کلاسیک ایرانی ثبت شده است که هر یک در زمان خود موجب تحول در موسیقی شده و حرکتی نو به شمار آمده است و پس از گذشت این همه سال نیز هنوز این نواها بسیار شنیدنی هستند؟ به راستی چگونه است که برخی هنرمندان به‌ویژه هنرمندان عرصه موسیقی را در زمان حیات‌شان آن‌گونه از یاد می‌بریم و بعد از مرگ‌شان این‌گونه از آنها یاد می‌کنیم؟ من ترجیح می‌دهم که قضاوت را بر عهده تمامی کسانی بگذارم که دغدغه هنر و هنرمند دارند به‌ویژه در عرصه موسیقی! با این همه به یقین می‌دانم که «عطا جنگوک» همچنان در نواها و مضراب‌هایش، گردن به غرور برافراشته و ارتفاع شکوه ناک فروتنی استوار ایستاده است و خاطره‌اش تا جاودان جاویدان در تکرار ادوار، داوری خواهد شد.

خبر

علی ترابی، دبیر اجرایی بیست و هفتمین جشنواره موسیقی فجر شد

■ **شرق:** مدیرکل دفتر موسیقی طی حکمی، علی ترابی را به عنوان دبیر اجرایی بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر منصوب کرد. محمد میرزمانی مدیرکل دفتر موسیقی در این حکم آورده است: «نظر به اهمیت و جایگاه جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر و با توجه به تجارب و سوابق جناب عالی و به پیشنهاد دبیر بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر شما را به عنوان دبیر اجرایی این جشنواره منصوب کنیم. امید است با همراهی و همیاری همه همکاران خود، امور اجرایی جشنواره را با کیفیت مطلوب تدبیر کرده و در تحقق اهداف پیش‌بینی‌شده جشنواره موفق باشید.» علی ترابی پیش از این به عنوان مدیر اجرایی ششمین جشنواره موسیقی جوان در سال ۸۶، مدیر اجرایی بیست‌وسومین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، رییس بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، رییس هفتمین جشنواره موسیقی نواحی ایران و... فعالیت داشته است.

نامه به کودکی که هرگز بزرگ نشد*: خانه موسیقی





رامین جزایری
سازنده ساز و دبیر و سخنگوی هیات‌مدیره کانون سازسازان

بخشی از ویژگی‌های نهادهای صنفی و مدنی فراهم کردن فضایی است برای نقد و ارزیابی کارنامه‌کاری اعضای مرکزی آن نهاد. متن زیر را رامین جزایری، عضو سابق هیات‌مدیره و رییس سابق کانون سازسازان و عضو کنونی این کانون و از سازسازان شناخته شده و برجسته کشور نوشته است. مطلبی که عمده آن به انتقاد از عملکرد خانه موسیقی اختصاص دارد. روزنامه شرق امید دارد که دیگرانی هم در کار نقد و بررسی نهادهای صنفی عرصه هنر وارد شوند و البته این فضا را گشوده نگه می‌دارد تا اگر هر عضو دیگر خانه موسیقی انتقاد یا نکته‌ای درباره این نوشته دارد، پاسخ دهد. امید که در سایه این نقد و موشکافی‌ها هدف اصلی هر نهاد صنفی که رضایت نسبی تمامی اعضای آن است، محقق شود.

■■■

حدود ۱۲سال از شروع به کار خانه موسیقی می‌گذرد. این نهاد با همت چند تن از موسیقیدانان و خصوصا جناب روشن‌روان و کمک مرکز موسیقی وقت وزارت ارشاد، آقایان مرادخانی و سلمانیان، در سال ۱۳۷۸ تاسیس شد. امروز دوره کودکی خانه موسیقی گذشته و باید خود را درآستانه شروع دوره بلوغ و بهره‌وری آن ببینیم: دورنمایی که به دلایل متعدد دور از ذهن می‌نماید. دل‌نگرانی و تشویشی که مدت‌هاست فکر و ذهن صاحب این قلم را به‌شدت مشغول کرده است و نوشتن و انتشار این یادداشت نیز بیش از هر چیزی به نیت در میان نهادن دل‌نگرانی‌ها و بیم و امیدها، با دیگرانی صورت می‌پذیرد که نگران کل موسیقی ایران و خانه موسیقی، این نخستین نهاد فراگیر و جدی صنفی اهل موسیقی در دوره معاصر هستند.

شورای‌عالی خانه موسیقی

این شورا که بنا بر اصطلاح «شورای ریش‌سفیدان» است، وظیفه اجرایی ندارد و تنها برای امور راهبردی و مشورتی و نظارتی طراحی شده است. با اینکه کارکرد چنین شورایی در یک نهاد صنفی و مدنی محل پرسش‌های جدی است، اما در اساسنامه وجود آن پیش‌بینی شده است. در اردیبهشت ۸۶ که برای اولین بار این شورا با انتخابات توسط مجمع عمومی انتخاب شدند، با وجود قید دوره سه ساله در اساسنامه، انتخابات بعدی در خرداد ۹۰ برگزار شد و جالب‌تر اینکه در انتخابات آخر مجمع عمومی باید هفت نفر را از بین ۱۰ نفر پیشنهادی هیات‌مدیره انتخاب کند. آیا در موسیقی ما استاد دیگری لیاقت نامزدشدن در چنین شورایی را ندارد؟ یا هیات‌مدیره توان مواجهه با استادان غیرخودی را ندارد؟ به‌هر صورت شورای قبلی در طی چهار سال، دو جلسه در سال اول، پنج جلسه در سال دوم و یک جلسه در سال سوم ۱۳۸۸ برگزار کرد و سال آخر بدون هیچ جلسه‌ای گذشت. این دوره متاسفانه چنانکه باید و شاید مورد اقبال اعضای این شورا نبود و به‌نظر می‌رسید که اعضا احساس نیاز و تعهدی بر انتخاب خویش در چنین نهادی نداشتند و جلسات نامنظم و ناپیگیری امور سرلوحه کار شورا بود. به‌راحتی می‌توان گفت هیچ یک از مصوبات جلسات این شورا تا به حال به سرانجامی نرسیده است. (به مقاله آقای سیدابوالحسن مختاباد در مورد شورای‌عالی موسیقی در نشریه شهروند مراجعه شود). در کمال احترام باید گفت اعضای شورای‌عالی، با وجود پیشکسوتی، در زمانی که می‌پذیرند تا مسوولیتی در یک نهاد صنفی و مدنی داشته باشند، باید به اساسنامه و آیین‌نامه‌ها وفادار باشند و خود را با دیگران برابر و در یک سطح بدانند و با قبول این مسوولیت باید پاسخگوی اعضا و جامعه موسیقی باشند.

مدیریت عامل

متاسفانه در اساسنامه آمده که هیات‌مدیره می‌تواند علاوه بر انتخابی خارج از چارچوب هیات‌مدیره، از بین افراد هیات‌مدیره نیز کسی را به این سمت انتخاب کند (که شاید برای شروع کار خانه و رسیدن به نقطه ثبات و اعتبار امری پذیرفتنی باشد) این مجوز اساسنامه باعث شده تا هیات‌مدیره حتی یک‌بار نیز از ظرفیت بهره‌گیری از مدیری خارج از هیات‌مدیره استفاده نکند و عملا مدیری کارآزموده، خبره و با تحصیلات مدیریتی در سال‌های بعد نیز در این نهاد حضور نیافت و در واقع طراحی و اجرای چشم‌اندازهای بسیار گسترده برای این نهاد ارزشمند به‌راحتی دور و دورتر شد. عواملی چون تدریس موسیقی، کنسرت و جلسات تمرین قبل از آن، برنامه‌ریزی سفرهای خارجی و مشغله‌های ذهنی آن، ضبط اثر و صرف وقت در استودیو و ده‌ها گرفتاری یک موزیسین حرفه‌ای برای یک موسیقیدان مطرح و معروف در چنین جایگاهی عملا باعث تداخل مشاغل وی شده و مدیرعامل را از صرف وقت کامل برای نهادی چون خانه موسیقی دور می‌سازد. به یاد داشته باشیم که خانه موسیقی از محلی با اتاقی موقت در سال ۷۸ و حدود یک‌صد نفر عضو به مجموعه‌ای با دو ساختمان مجزا و چندین کارمند و حدود ۱۱هزار عضو رسیده است و عملا کار پاره وقت را برای هیچ یک از اعضای مدیریت این مجموعه برنمی‌تابد. خصوصا نباید فراموش کنیم که مدیرعامل خانه موسیقی تنها کسی از مجموعه مدیریتی خانه است که حقوق مکفی دریافت می‌کند. اما یکی از مهم‌ترین مشکلات وجود مدیرعامل موزیسین، شایبه استفاده از رانت خانه موسیقی است که به‌نوبه خود باعث رنجش و دوری دیگر موسیقیدانان از خانه می‌شود.

هیات‌مدیره

هیات‌مدیره خانه موسیقی با هفت عضو و یک بازرس در انتخاباتی هر دو سال یک‌بار از مجمعی با شرکت سه نفر از هر یک از ۹ کانون فعلی (جمعا ۲۷ عضو در حال حاضر) برگزیده می‌شود. متاسفانه در دو دوره اخیر سعی افرادی از این جمع مبنی بر عدم تغییر و رسیدن به بافتی خنثی و غیرفعال عملا موثر واقع شد. این مساله حتی باعث دلسردی بسیاری از افراد مجمع و بسیاری از موسیقیدانان مطرح نیز شده است و جای تاسف است که حتی بعضی استادان برجسته موسیقی انتخابات هیات‌مدیره را «فرمایشی» دانسته‌اند. اما از آنجا که انتخابات هیات‌مدیره در روز مجمع ۲۷نفری قطعا سالم برگزار شد، می‌توان گفت که عدم شرکت بسیاری از اهل موسیقی در انتخابات کانون‌های خود و در نتیجه عدم‌حضورشان در انتخابات هیات‌مدیره، عدم اطلاع کافی از برآورد کلی نتیجه آرا توسط افراد مجمع، دلبستگی و وابستگی‌های دوستانه جمع اعضای مجمع و در نهایت ماخوذ به حیا بودن و عدم پرسش‌های انتقادی و صریح در مجامع باعث عدم تغییرات چشمگیر و موثر در چیدمان کلی هیات‌مدیره می‌گردد. به یاد داشته باشیم که حضور نفرات گوناگون صاحب‌نظر و با دیدگاه‌های متنوع در جلسات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای امور فرهنگی لازم است. بدون شک افراد شاخصی را دیده‌ایم که در سال‌های اول در چنین مناصبی توانسته‌اند به درجه‌ای از توان و ایده‌پردازی دست یابند و به تدریج تحلیل رفته‌اند و در طی زمان نتوانسته‌اند خون تازه‌ای به روند تکراری تصمیمات وارد سازند. متاسفانه در سال‌های اخیر خود هیات‌مدیره نیز نتوانسته به این پوست اندازی و بازپروری دست یابد. بعضی از ضعف‌های هیات‌مدیره به صورت فهرست‌وار به این صورت است.

۱- بدعتی غلط چون تمدید دوره دوساله خود به چهار سال یا بیشتر (در حالی که این طرح شاید برای اجرا در دوره‌های آینده می‌توانست جای بحث داشته باشد.) / ۲- مواردی چون نداشتن برنامه‌ای مستمر و مفید برای بدنه خانه موسیقی و راضی نگاه داشتن اعضا تنها با امکان بیمه تامین اجتماعی/ ۳- عدم استفاده از بسیاری از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در اساسنامه (در واقع فقط کارهایی انجام می‌شود که از عهده افراد هیات‌مدیره برآید) / ۴- عدم تلاش برای تغییر روش و آسان‌ترکردن صدور مجوزهای کنسرت و آلبوم‌های موسیقی / ۵- عدم کمک به تاسیس کانون‌های تخصصی بیشتر مثل کانون ترانه‌سرایان که دو سال قبل تقاضا دادند و معلوم نشد که چه سرانجامی یافت/ ۶- عدم سعی و تلاش برای احراز حق مولف و مصنف برای بهبود مسایل معیشتی موسیقیدانان/ ۷- عدم شفافیت مالی و منتشر نکردن تراز مالی (با وجود سلامت مالی هیات‌مدیره) / ۸- نداشتن برنامه دقیق برای رسیدن به استقلال مالی (که در جای خود مشکلات بسیاری برای خانه پدید آورده و می‌آورد/ ۹- تصمیمات بدون پشتوانه مثل ایجاد شورای داوری و تغییر اسم و افراد آن به نام شورای حل اختلاف در ظرف دو هفته بدون اینکه دستورالعمل و آیین‌نامه‌ای برای آن تنظیم و تدوین شود. / ۱۰- عدم توجه به فعالیت ضعیف سایت خانه/ ۱۱- درگیری با کانون‌های منتقد و پاسخ‌های توهین‌آمیز به نامه‌های اعتراضی/ ۱۲- بازکردن مغازه سازفروشی به جای طرح برنامه‌ای کلی برای عرضه صحیح ساز در سطح کشور و تغییر شیوه غلط واسطه‌گری و دلالی ساز توسط نوازندگان و معلمان موسیقی/ ۱۳- عدم دعوت صحیح و پیگیر برای برگزاری انتخابات کانون‌ها از اعضا و برگزاری مجامع کانون‌ها با حداقل افراد ممکن/ ۱۴- نداشتن برنامه‌ای صحیح برای عضوگیری و سیاست متنوع هر کانون برای رتبه‌بندی اعضا

۱۵- سپردن کارهای خانه موسیقی به افراد غیرمتخصص (مثلا برای بازسازی و تعمیرات ساختمان خانه، کار به کسی سپرده شد که موجب شد تا بازگشایی خانه چندین ماه و چندین بار به تعویق بیفتد). / ۱۶- اقداماتی دون شأن و وزن خانه موسیقی مثل برگزاری تور ارمنستان! ... و مجموعه‌ای از چنین اموری که مسلما رو به سمت و سوی بهتر شدن ندارد. اخیرا نیز صحبت از تقسیم کانون‌ها به دو قسمت اصلی و فرعی (و یا بهتر بگوییم کانون‌های خودی و کانون‌های غیرخودی و منتقد) شده است که در زمانی که طرح تمدید دوره هیات‌مدیره فعلی به چهارسال عملی نشد، شاید راهی برای ثبات دایمی هیات‌مدیره فعلی باشد. شاید در آینده تقسیم کانون‌ها به موسیقی ایرانی و غیرایرانی و بعد موسیقی شهری و بومی و... روش‌های تقلیل اعضا به چند ده نفر باشد. آیا تاکنون دیده شده که مجموعه‌ای مدنی و صنفی بخواهد اعضای خود را کمتر و کمتر کند؟

اما تنها یکی از دستاوردهای اینچنین رفتارهایی، دلسردی شدید اهل موسیقی از خانه موسیقی است. می‌توان گفت که تنها عده‌ای مشخص و معدود از اهل موسیقی به خانه رفت و آمد دارند. شاید تنها ذکر یک نمونه گویا باشد که در آخرین دعوت از اعضا برای نشست آزاد و عمومی در بیست و نهم خرداد ۹۰، تنها هشت نفر!! از هزاران عضوی که به آنان پیامک دعوت فرستاده شده بود، در این برنامه حضور یافتند. آیا این بی‌اعتباری برای خانه نتیجه مستقیم عملکرد هیات‌مدیره نیست؟

سایت خانه موسیقی

متاسفانه در مورد سایت خانه موسیقی که به عنوان ویترین و معرف خانه باید عمل کند، داستان معروف تماشاخانه‌های لاله‌زار را به یاد می‌آوریم که فروشنده بلیت، بازیگر، کارگردان، صحنه‌گردان و نظافتچی همه یک نفر بود.

واگذاری مسوولیت‌های بسیار به یک نفر از طرف مدیرعامل و حمایت بی‌دریغ هیات‌مدیره موجب پایین آمدن کارایی و عدم پیشرفت هریک از ارکان مربوطه است که در پنج سال گذشته متاسفانه به همین شکل بوده است. شاید باورکردن این نکته در حال حاضر که دوره تخصص است سخت باشد، اما شغل‌هایی نظیر مدیریت اجرایی (برای مجموعه‌ای ۱۱هزارنفری)، مدیریت سایت، مدیریت مغازه آوای خانه، مسوولیت چاپ بولتن خانه و تهیه بروشور برای برنامه‌های مختلف خانه موسیقی، مسوولیت امور بنایی، بازسازی و طراحی دکوراسیون داخلی خانه و... که شاید هرکدام برای چند نفر زیاد است به عهده یک نفر سپرده شده است. تنها کافی است سری به سایت خانه موسیقی بزنید و ذره‌ای از این آشفتگی ذهنی را مشاهده کنید و تغییرات پیش‌آمده در ارکان و افراد خانه را پس از گذشت دوسال یا بیشتر مطالعه کنید و تناقضات را بیابید. (مثلا آخرین تغییر آیین‌نامه مجامع و انتخابات در اردیبهشت ۸۶ بود که پس از مدت‌ها هنوز آیین‌نامه سال ۸۵ روی سایت قرار دارد و جالب اینکه در ماده ۲۷ که آخرین ماده است نوشته شده این آیین‌نامه در ۳۲ ماده ... تصویب شده‌است!) اما سیاست کلی سایت خانه موسیقی که بهتر است آن را سایت هیات‌مدیره خانه موسیقی بنامیم، مبنی بر عدم پوشش اخبار بدنه خانه موسیقی و جامعه موسیقی در کل و در مقابل تبلیغات برای دستاوردهای مدیریت خانه است. به عنوان مثال هیچ خبر و اسمی از موسیقیدانانی که به خانه رفت و آمد ندارند، وجود ندارد. آیا سیاست سایت خانه موسیقی بر حذف این هنرمندان است؟ مثلا خبر دیدار کانون سازندگان ساز با استاد محمدرضا لطفی در سایت منتشر نشد. آیا می‌توان این سایت را اطلاع‌رسان دانست؟ همان‌گونه که در سال‌های قبل که ۱۹ شماره بولتن خانه موسیقی به همت آقای مختاباد منتشر می‌شد، در کنار نقد عملکرد مدیران خانه موسیقی، شامل خبرها و مصاحبه‌های مختلف با اعضای کانون‌ها می‌شد و بازتاب‌کننده نظرات آنان نیز بود که سایت همچنین می‌تواند چنین عملکردی را پی بگیرد. متاسفانه نگاه بسته سایت خانه در بسیاری از موضوعات دیگر نیز لحاظ می‌شود.

حسن ختام

مسلما باید هیات‌مدیره و مجموعه افراد تصمیم‌گیرنده در خانه موسیقی دارای اطلاعات کافی اداری و بینش وسیع حقوقی باشند و با پیش‌زمینه‌ای اینچنین برای فعالیت در مدیریت نکردن خانه پیش‌قدم شوند. مسایلی نظیر؛

۱- عدم استفاده از مشاور تقریبا در هیچ زمینه‌ای/ ۲- دعوت نکردن برای مدیرعاملی این نهاد از مدیران خبره و کاردان/ ۳- برنامه‌ریزی نداشتن صحیح برای ایجاد شعبات در شهرستان‌ها (به عنوان مثال انتخابات شعبه تبریز که قرار بود ماه‌های پایانی سال گذشته برگزار شود و هنوز برگزار نشده است. در حالی که علاقه‌مندان بسیاری، از شهرها هستند که سال‌هاست منتظر تصمیم هیات‌مدیره‌اند.) / ۴- عدم استفاده از پتانسیل موجود همه استادان موسیقی ۵- دقت نکردن در کار کانون‌ها و نداشتن اشراف بر کار آنان / ۶- استفاده نکردن از نیروهای خارج از خانه موسیقی (چنانچه مجموعه‌ای از پزشکان سال‌ها پیش موافقت کردند تخفیفی را برای اعضای خانه عملی کنند که هیچ‌گاه این لطف و حمایت پزشکان توسط هیات‌مدیره به اعضا اعلام نشد و ظاهرا فقط مورد استفاده چند نفری قرار گرفت). / ۷- عدم دعوت از موسیقیدانانی که سال‌ها بدون هیچ چشم‌داشتی برای پایه‌ریزی این نهاد سعی و کوشش داشتند و در جواب اعتراض آنان به نامه‌ها و جوابیه‌های تند بسنده شد. هنرمندانی چون فریدون شهبازیان، محمدعلی کیانی‌نژاد، هوشنگ جاوید و... و بسیاری از اعتراضات مکتوب و شفاهی دیگر از این دست با جوابیه‌هایی از موضع بالا با نگاه ارباب و رعیتی روبه‌رو شدند و به‌همین جهت عطای خانه را به لقایش بخشیدند.

سعی همه ما در حال حاضر رسیدن خانه موسیقی به بهترین نقطه کارآیی و بازدهی است. فرصت برای خدمت کردن به فرهنگ، در جهانی چنین پرشتاب هر لحظه که بگذرد کمتر می‌شود و روزگار برای ما درنگ نمی‌کند. در واقع دیگر زمانی برای آزمون و خطا نیست و باید تعارفات را کنار گذاشت. بدین جهت امیدوارم تا همه اعضای جامعه موسیقی با دقت بیشتری اتفاقات و عملکرد خانه موسیقی را رصد کنند و بر جزییات امور دقت داشته باشند و از طرف دیگر از همه دست‌اندرکاران فعلی خانه موسیقی که در عملکرد خود در این سال‌ها اشتباه و قصوری داشته‌اند، می‌خواهم تا با صبوری و گذشت از سمت خود کناره گیرند تا شاید دیگرانی کوشاتر و باانگیزه‌تر، با شرکت در انتخاباتی دوباره پا به عرصه عمل نهند. به امید اینکه آیندگان قضاوتی تلخ نسبت به ما نداشته باشند و از این همه زحمت و مرارتی که برای شکل‌گیری چنین نهادی کشیده شده راضی و شاکر باشند.

***تیتر با اندکی تغییر برگرفته از نام کتابی از اوریانا فالاچی: «نامه به کودکی که هرگز زاده نشد»**

ریتم

جنبه‌های موسیقایی در اشعار حافظ

کشف راز های شاعرانه



مزدا شاهانی
موسیقیدان و شاعر

■ حافظ سرآمد غزل‌سراهای ایرانی است و فرم شعر غزل را بعد از سعدی به کمال رسانده است. ۲۱ وزن (عروض) از اوزان ادب فارسی در اشعار حافظ دیده می‌شود. موسیقی درون شعر یکی از ساختارهای اساسی و جدایی‌ناپذیر شعر است که یک بخش آن صنایع بدیع لفظی و دیگری اوزان و افاعیل است که اوزان شعری به راحتی تبدیل به ریتم در موسیقی می‌شود. اوزان شعری در تشکیل فرم ریتمیک و ادوار ریتمیک موسیقی ایرانی تاثیرگذار بوده‌اند، بسیاری از گوشه‌های موسیقی دستگاهی و مقامی ایرانی براساس همین اوزان و افاعیل شکل گرفته است. مثل گوشه‌های ریتمیک موسیقی دستگاهی (کرشمه، بسته‌نگار، چهار مضراب و...) و گوشه‌هایی دیگر مثل فرم مثنوی در چهارگاه و... در کتاب ردیف آوازی استاد عبدالله دوامی و استاد محمود کریمی و دیگر استادان از فرم شعر غزل و فرم‌های دوبیتی، رباعی، مثنوی در جاهای مختلف گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی استفاده شده است. دوره‌های مختلف سبک‌های ادبی (خراسانی، عراقی، هندی و...) و ادیبان بزرگ این دوره‌ها همچون رودکی، فردوسی، عطار، خیام، سعدی، حافظ و... تاثیر بسیاری روی موسیقی ایرانی گذاشته‌اند. برای مثال در گذشته رباعی را ترانه تلقی می‌کردند، بعدها دوبیتی یا پهلوی (فهلوی) نام ترانه به خود گرفت و معمولا این نوع اشعار را با آواز و موسیقی می‌خواندند. در کل ساختار شعر و موسیقی ایرانی و همین‌طور فرم شعر غزل و اجرای برخی از ردیف‌های موسیقی‌سازی و آوازی با هم شباهت دارد. در شعر غزل هر مصرع با مصرع بعد از خودش کامل می‌شود و هر بیت می‌تواند مجزا از بیت دیگر مفهوم و منظور خود را بیان کند. با این حال وجود یک تسلسل عمیق مفهومی و معنایی با در نظرگرفتن ساختار قوافی و ردیف و دیگر قواعد دستوری زبان فارسی از ابتدا تا انتهای شعر غزل مشهود است و شبیه به همین روال و منطق در اجرای دستگاه و گوشه‌های سازی و آوازی موسیقی ایرانی وجود دارد. حافظ از خوش‌ترین و مطبوع‌ترین عروض ادب فارسی در اشعارش استفاده کرده. به عنوان مثال «در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد» که بحر رمل است. یکی دیگر از نشانه‌های مهارت حافظ در موسیقی هم‌آوایی و به خوبی در کنار هم نشاندن کلمات است، یعنی همان رعایت صنایع بدیع لفظی.

جدول ۱۳۴۶

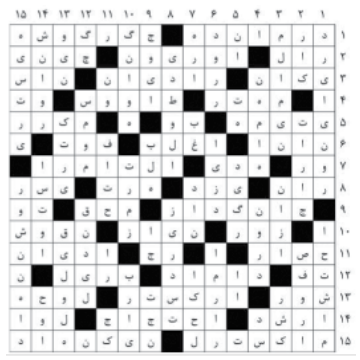
افقی:

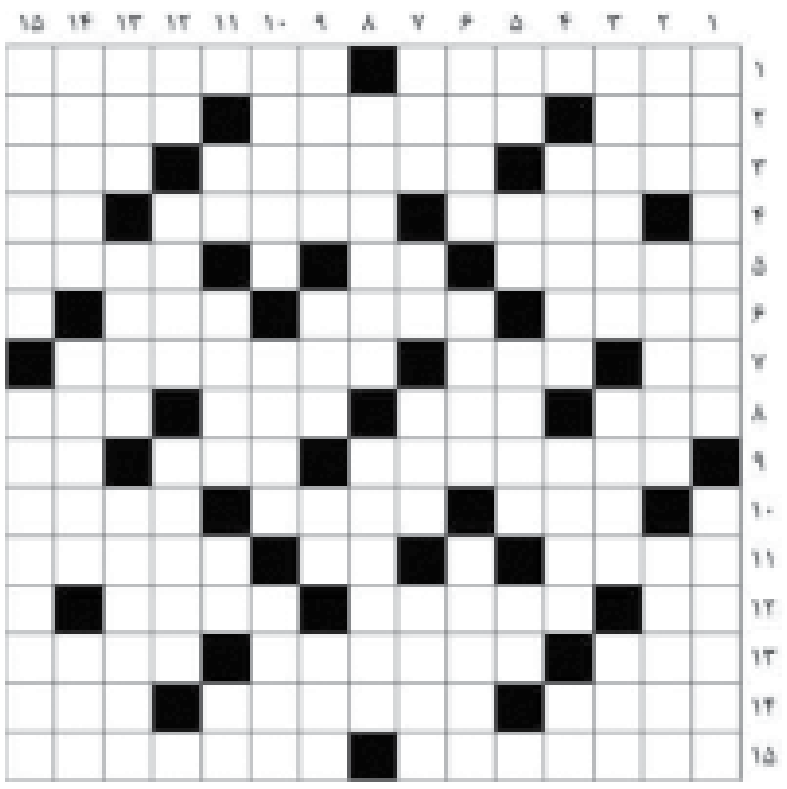
۱- اختراع نوبل- خوردن با حرص ۲- بزرگ‌ترین دریاچه- مورد نیاز عکاس- نقابدار کارتونی ۳- دینداری- درخواست همراه با فروتنی- فرشته عدالت ۴- دریای فرانسه- مظهر قدرت- از ادات استفهام ۵- تک تک- پرنده دریاچه- سوم شخص جمع ۶- نامی دخترانه- چپ چشم- قرار ۷- شمای بیگانه- پرتقال معروف- محل کسب ۸- بی‌خبر از دنیا- پل- پول کره- پدر رستم ۹- انتقام گیرنده- نامه بر- نوعی حلوا ۱۰- رد پا- کرگدن- صلح ۱۱- نامی دخترانه- گیاه مرداب- غریو ۱۲- شاخ شکسته!- صیقلی- از حروف مقطعه قرآن ۱۳- علت‌ها- نوعی دسر- شهره آفاق است ۱۴- همنام- وب سایت- ریزه‌های ورق طلا ۱۵- ناز بالش- فیلمی از مرتضی شاملی

عمودی:

۱- رمانی از جواد فاضل- شاخه شاخه شدن ۲- شهر بادگیرها- باجه وگیشه- مرکز کشور مالت ۳- پدر سام- درست، مهیا- زباندار بی‌زبان ۴- پیدا نشدنی- خواهش- عدد نفس کش ۵- بالا آمدن آب دریا- منقار کوتاه- تجهیز شده- راندن بی‌ادبانه ۶- آهسته و آرام- فرمان توقف- فرکانس ۷- بیم، رعب- خالص- شهر صنعتی آلمان- نوعی نمایش ۸- موسیقیدان آلمانی- آگاه باش ۹- رهبر حزب- عشق بیگانه- نت سوم- جمع منت‌ها ۱۰- بازتابیده- کودک تازه راه افتاده- از حروف مقطعه قرآن ۱۱- ضمیر غائب- انجام پذیر- نیلوفر هندی- کلام تنفر ۱۲- حرص و طمع- کتابی از لرد بایرون نویسنده انگلیسی- اپرای معروف ژرژ بیزه ۱۳- روشنایی- شهر اصفهان- ته‌بندی کتاب ۱۴- روزگاری جای تاکسی بود- شهر و بندری در جمهوری اکراین- مخفف من را ۱۵- درخت جوان- کارگردان فیلم «عملیات شمال»

حل جدول ۱۳۴۵





سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۳۴۸

۸	۹	۷	۲	۱	۴	۵	۳	۶
۶	۵	۲	۸	۳	۹	۱	۷	۴
۳	۱	۴	۶	۵	۷	۲	۹	۸
۱	۲	۸	۴	۹	۵	۷	۶	۳
۴	۶	۳	۷	۸	۲	۹	۵	۱
۹	۷	۵	۳	۶	۱	۴	۵	۲
۲	۳	۹	۱	۷	۶	۸	۴	۵
۷	۴	۶	۵	۲	۸	۳	۹	۱
۵	۸	۱	۹	۴	۳	۶	۲	۷

سودوکو ۳۴۹

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۴	۷	۵		
			۵		۸	۲	۷	
۷	۸	۵	۹		۱		۶	۴
	۱	۶					۵	۲
۸	۲	۹	۷				۱	
		۴			۳	۹	۸	
			۶	۳		۱		۷
	۳				۵	۶		۹
۶	۹				۲	۸	۳	